

قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی‌های ایران

علی یوسفی^{۱*}، احمد رضا اصغرپور ماسوله^۲

(تاریخ دریافت ۲۱/۷/۸۷، تاریخ پذیرش ۵/۲/۸۸)

چکیده

القوم‌مداری، نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضاً یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و براساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کنند. به همین جهت در جوامع چندقومی، قوم‌مداری، یک مانع فرهنگی برای شکل‌گیری و گسترش روابط بین قومی است. تحلیل ثانویه‌ی داده‌های یک تحقیق در بین هشت قوم ایرانی شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوج، ترکمن و طالش نشان می‌دهد که اولاً قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، در عین حال کمترین قوم‌مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوج است. ثانیاً قوم‌مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد و ثالثاً قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هويت جمعی(قومی) در شبکه روابط بین قومی می‌گردد.

واژگان کلیدی: قومیت، روابط بین قومی، قوم‌مداری.

* Yousofi@um.ac.ir

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مساله قومداری

امروزه تنوع قومی، واقعیتی نسبتاً فراگیر و جهانی است و اقوام، سهم بسزایی در صلح یا منازعه داخلی و خارجی کشورها دارند (Gurr & Harff 1994; Gurr 1993, 2000; Harff and Gurr 1998). از سویی قومداری^۱ یا برتری طلبی قومی نیز مساله‌ای جهانی است و برخی از پژوهشگران، آن را پدیده‌ای طبیعی می‌دانند (همان و Lester 2004: 105). این مفهوم، سهم بسزایی در فهم گرایش‌های برون‌گروهی و روابط درون‌گروهی دارد (Neuliep & McCroskey 1997: 385). زیرا قومداری با برتری طلبی و تحقیر سایر اقوام همراه است و این امر یک مانع مهم برای برقراری رابطه بین قومی، بهویژه نقل و انتقال فرهنگی^۲ در بین اقوام محسوب می‌شود و زمینه ذهنی را برای تبعیض و تضاد قومی فراهم می‌آورد.^۳ دیدگاه قومدارانه فقط دیدگاه فرهنگی خود را نسبت به جهان مقبول می‌داند (Carignan & colleagues 2005: 3) و بسیاری از محققین آن را «مانع تشکیل یک فضای قومی-فرهنگی»^۴ می‌دانند (همان).

براین اساس، توجه به پدیده قومداری در یک جامعه‌ی چندقومی همانند ایران که یکپارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و همیستی اقوام مختلف است، اهمیت زیادی دارد و شدت و ضعف قومداری می‌تواند سهم به سزاگی در تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام قومی و در نتیجه تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی داشته باشد. مقاله‌ی حاضر در صدد است با تحلیل ثانویه‌ی داده‌های یک تحقیق قومی^۵، علاوه بر ارائه یک تصویر تجربی روشن از وضعیت قومداری اقوام ایرانی، رابطه‌ی این پدیده را با کم و کیف روابط بین اقوام، وارسی نماید.

1. Ethnocentrism.

2. Acculturation.

3. علاوه بر تضادهای قومی، به مساله قومداری در بررسی‌های مربوط به عدم پایداری نهادهای دموکراتیک، جنگ و حتی انتخاب کالا توسط مصرف کنندگان و رای دهنی نیز پرداخته شده است (Hammond & Axelrod 2005: 2).

4. Ethno-cultural sphere.

5. این تحقیق با عنوان «هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران» با مسوولیت آقای دکتر مسعود چلبی و همکاری نگارنده (یوسفی) در فاصله سالهای ۱۳۷۷-۸۰ برای وزارت کشور (معاونت امور اجتماعی و شوراهای انجام گرفته است).

تعريف قومیت

اگرچه در تعریف قومیت¹ اختلاف نظر وجود دارد، لکن با مقایسه تعاریف معروف می‌توان به یک تعریف نسبتاً با دوام از این مفهوم دست یافت. برخی معتقدند قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه‌ی بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که براساس آنها، هویت گروه تعریف می‌شود» (Burgess 1986، 54 و احمدی ۱۳۸۲: ۳۷). نکته‌ی اساسی این است که اعضای گروه قومی از تعلق‌شان به گروه آگاهی دارند و این آگاهی نیز در کشاکش تصور آنان از دیگران شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر تصور «ما» در نزد گروه‌های قومی در پرتو تصور این گروه‌ها از «آنها»² معنا پیدا می‌کند. اعضای «یک گروه قومی، متشكل از افرادی است که خودشان را از حیث اینکه دارای تبار مشترک (واقعی یا خیالی) هستند، همانند هم می‌بینند و توسط دیگران نیز چنین در نظر گرفته می‌شوند» (Ringer & Lawless 1989:1). بر این اساس گروه‌های قومی به طور مداوم، توسط دو مجموعه نیروی پویا احاطه می‌شوند: مجموعه نیروهای داخلی که سبب تثیت و دوام «ما - بودن» می‌شوند و مجموعه نیروهای بیرونی که سبب تشکیل و تعیین «آنها - بودن» می‌شوند. بدین‌جهت گروه‌های قومی نه موجودیت‌هایی کاملاً خود مختارند و نه کاملاً خود انتکاء، بلکه بخشی از یک نظام اجتماعی بزرگ‌تر هستند که آنها را تحت تأثیر قرار داده و به آنها شکل می‌دهد (همان: ۱). در پرتو چنین تعریفی اقوام هشتگانه بلوچ، ترک، ترکمن، طالش، فارس، عرب، لر و کرد از جمله گروه‌های عمده‌ی قومی در ایران هستند که در عین حال که هریک دارای هویت فرهنگی ویژه‌ای هستند، همگی به عنوان عضوی از جامعه‌ی ایران، دارای مشترکات فرهنگی‌اند، به تعبیر دیگر بین هویت قومی و ملی آنها، اشتراک وجود دارد. اگرچه باید گفت در اغلب موارد مرزهای فرهنگی و نمادی اقوام در یک چارچوب ملی، به طور دقیق و قاطع قابل تفکیک نیستند و مرزبندی‌های متناخلی دارند (برتون ۱۳۸۰ و بالمر و سولوموس ۱۳۸۱) و تجارب پژوهشی نیز نشان می‌دهد که با ملاک‌های اجتماعی و فرهنگی، اقوام را به گونه‌های

1. Ethnicity.
2. they.

مختلفی می‌توان دسته‌بندی نمود آنچنان که با دسته‌بندی‌ها و مرزبندی‌های رایج متفاوت باشد (یوسفی، ۱۳۸۱).

تعريف قوم‌مداری

قوم‌مداری، به معنای تمایل به در نظر گرفتن روش‌های فکری و رفتاری گروه خود به عنوان معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه می‌توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد گروه خود را با فضیلت‌تر و برتر می‌بیند و ارزش‌های گروه خودش را ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون گروه است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد برون گروه‌ها را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آنها را طرد می‌کند و سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی‌اش را از برون گروه‌ها، حفظ نماید (Gudykunst, 1994, 77). نکته مهم در مفهوم قوم‌مداری، اعتقاد به فضیلت و برتری قوم خود (درون گروه) است و این امر خود متصمن کوچک شمردن دیگر اقوام (برون گروه) است. یک فرد قوم مدار، همواره اولویت را به درون گروه می‌دهد و به نفع درون گروه قضاوت می‌کند، به عقیده سامنر «قوم‌مداری، همواره با خوشبینی و افتخار نسبت به خودی و بدیبینی و تحقیر نسبت به غریبه، همراه است» (Neuliep & McCroskey 1997: 385)، اگرچه بدیبینی نسبت به غریبه‌ها ممکن است اکثر مردم را دربرگیرد «.... اکثر مردم از غریبه‌ها خوشتان نمی‌آید و نسبت به آنها احساس خصوصت و ترس ابراز می‌کنند» (همان). این ویژگی قوم‌مداری که فرد همواره اولویت را به درون گروه می‌دهد و به نفع درون گروه قضاوت می‌کند ناشی از دیدگاه‌های قالی است که به افراد عضو یک گروه اجازه می‌دهد حتی با داشتن کمترین اطلاعات به قضاوت درباره دیگران بپردازند (Hammond & Axelrod 200:4).

رفتارهای قوم‌مدارانه، غالباً با تأکید بر عناصر هویت قومی مثل زبان و لهجه، مذهب که میراث مشترک قوم نیز به حساب می‌آیند صورت می‌گیرد و تا حدی ترسیم کننده مرزهای نمادی و فرهنگی اقوام است.

تعريف روابط بین قومی

رابطه‌ی بین‌قومی، رابطه‌ی اجتماعی در بین اعضای گروه‌های قومی است. این رابطه شامل «یک مجموعه‌ی به هم پیوسته از کنش‌های انسانی معنادار» (Weber, 1978: 26-27) در یک زمینه معین است. براساس دیدگاه ویری (۱۳۸۴)، که الهام‌بخش تعریف رابطه‌ی اجتماعی در این نوشتار است، هر کنش‌گر در ضمن کنش خود، کنش دیگران را نیز در نظر می‌گیرد. اگرچه رابطه‌ی اجتماعی متضمن این است که معانی محتمل کنش برای کنش‌گران قابل ادراک باشد، لکن ممکن است درک افراد درگیر رابطه، یکسان نباشد. تبعاً اگر معنای کنش برای طرفین قابل درک نباشد رابطه‌ی اجتماعی نیز مختل و یا منحل می‌شود و یا ممکن است به سوء تفاهم بین‌جامد، هرچند الزاماً برای وقوع چنین رابطه‌ای وجود ندارد. چهار عنصر سازنده‌ی رابطه‌ی اجتماعی یا نظام کنش متقابل را می‌توان از هم تفکیک نمود و اهمیت هریک را مورد توجه قرار داد:

- (۱) مجموعه‌ای از «واحدها» که با هم کنش متقابل انجام می‌دهند؛
- (۲) مجموعه‌ای از قواعد یا دستورالعمل‌ها که به جهت‌گیری‌های واحدها و خود کنش متقابل نظم می‌دهد؛
- (۳) نظام یا فرآیند نظم یافته یا الگودار خود کنش متقابل؛
- (۴) محیطی که کنش در آن رخ می‌دهد و مبادلات نظاممند با آن صورت می‌گیرد (Parsons, 1977: 163).

مهمنترین شرط انسجام نظام کنش متقابل و در اینجا تداوم رابطه‌ی اجتماعی، قواعد (معنا) مشترک است. زیرا مبنا و معنای مشترک، «پتانسیل‌های تحریب نظام را کنترل می‌کند و واحدهای کنش‌گر خودمنختار را به کاتال‌هایی هدایت می‌کند که سیستم را تقویت کنند» (همان: ۱۶۸). چنانچه رابطه اجتماعی را مجموعه‌ای از کنشهای اجتماعی معنی‌دار تلقی کنیم و طرح اجیل پارسونز^۱ را سرمشقی برای تفکیک انواع کنش معنادار قراردهیم، در این صورت، چهار نوع رابطه‌ی اجتماعی را می‌توان از هم تفکیک نمود و آن را مبنایی برای مطالعه‌ی روابط بین قومی (بین اعضای گروه‌های قومی) قرارداد (شکل ۱). این چهار نوع رابطه عبارتند از: روابط مبادله‌ای (A)،

1. AGIL schemma

روابط قدرت (G)، روابط گفتمانی (L) و روابط ارتباطی یا اجتماعی (I) (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸). در حالیکه رابطه مبادله‌ای حامل معنای اقتصادی و پولی است مثل معامله و داد و ستد در بین اعضای گروه‌های قومی، رابطه گفتمانی حامل اندیشه و فکر است، مثل تبادل نظر در بین اعضای گروه‌های قومی. رابطه اجتماعی^۱ حامل احساس و عاطفه است مثل دوستی و معاشرت در بین اعضای گروه‌های قومی و در مقابل رابطه‌ی قدرتی متضمن قدرت و سیاست است، مثل نزاع، اختلاف و کدورت در بین اعضای گروه‌های قومی. نمودار چهار نوع رابطه اجتماعی در شکل (۱) مطابق طرح اجیل پارسونز ترسیم گردیده است.

مبالغه‌ای	قدرتی		گفتمانی
	G	A	
اجتماعی	I	L	

شکل ۱ چهار نوع رابطه اجتماعی

روابط چهارگانه‌ی مذکور ضمن این که تحت تاثیر یکدیگر هستند، هر کدام از آنها بر حسب شش خصوصیت ذیل تغییر می‌یابند:

- (۱) چگالی روابط اجتماعی: نسبت روابط موجود به روابط ممکن در بین کنش‌گران.
- (۲) قرینگی روابط اجتماعی: نسبت روابط دو جانبه به روابط یک جانبه در بین کنش‌گران.
- (۳) تعدد روابط اجتماعی: وجود رابطه بین کنش‌گران در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی^۲.
- (۴) شدت روابط اجتماعی: فراوانی روابط اجتماعی در بین کنش‌گران.

1. communal

۲. بر حسب تعریف ارائه شده، شاید مناسب تر باشد به جای «تعدد رابطه» از مفهوم «تنوع رابطه» استفاده شود. به این دلیل که مفهوم تنوع، گوناگونی رابطه را به روشنی نشان می‌دهد در حالیکه تعدد بیشتر گویای فراوانی رابطه است.

(۵) تنوع گرها و موجودیت^۱‌ها در روابط اجتماعی: پراکنش هویت‌های جمعی (مثل سازمان‌ها و گروه‌ها) در شبکه‌ی روابط اجتماعی (همان: ۸-۱۴۷). البته علاوه بر خصوصیات پنج گانه، عمومیت و شمول رابطه نیز در تغییر روابط اجتماعی مؤثر است:

(۶) عمومیت یا شمول رابطه اجتماعی: نسبت کنش‌گران درگیر رابطه به کل کنش‌گران موجود. بدین ترتیب روابط بین قومی را بحسب روابط مبادله‌ای، قدرتی، اجتماعی و گفتمانی در بین اعضای گروه‌های قومی می‌توان تعریف نمود که کم و کیف آن بحسب شش ویژگی شامل چگالی، قرینگی، تعدد، شدت، عمومیت و تنوع گره متغیر خواهد بود.

فرضیه اساسی

پیش از این گفته شد قوم‌داری دارای دو وجه است: یکی تمایل فرد نسبت به درون قوم که در حالت قوم‌داری شدید، فرد قوم خود را با فضیلت‌تر و برتر از سایر اقوام می‌داند و ارزش‌های قومی‌خودش را ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به بروون قوم است که در حالت قوم‌داری شدید، فرد بروون قوم‌ها (افراد متعلق به گروه‌های قومی دیگر) را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آنها را طرد می‌کند و بر این اساس سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی اش را از آنها حفظ نماید. گروه‌های قوم‌دار میل به عضویت گروهی را حفظ و تمایل به عضویت در بروون گروه را ضعیف نگه می‌دارند و اغلب بروون گروه را عامل مشکلات داخلی گروه قلمداد می‌کنند. بدین ترتیب قوم‌داری از طریق افزایش انسجام، همنوایی، همکاری، وفاداری و کارایی به بقای گروه کمک می‌کند (Hammond & Axelrod 2005: 86) و در مقابل «همکاری‌های بین گروهی را کاهش می‌دهد» (همان، ۸۲). آنچنان که برخی از محققان معتقدند «در گروه‌های قوم‌دار، از افراد متعلق به گروه‌های قومی دیگر انسانیت‌زدایی^۲ می‌شود» (Navarrete & Fessler 2006: 1). باندورا تاکید می‌کند که این انسانیت‌زدایی زمینه را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز نسبت به گروه‌های دیگر فراهم می‌کند^۳

1. Entity

2. dehumanization

۳. با این حال از دیدگاه کارکردگر، قوم‌داری کارکرد مثبت نیز دارد: «قوم‌داری به گروه در تلاش برای رسیدن به قدرت و

(Bandura 1999). بدین ترتیب در حالی که قوم‌داری از یک سو روابط و وفاداری درون قومی را تقویت و به بقای قوم کمک می‌کند اما از سوی دیگر باعث تضعیف روابط و همزیستی اقوام می‌گردد. چنانچه محتوا چهارگانه روابط اجتماعی (مبادله‌ای، قدرتی، اجتماعی و گفتمنی) با خصوصیات شش گانه (چگالی، شدت، تقارن، تعدد، عمومیت و تنوع گره) به شرح پیش‌گفته را ملاک قرار دهیم بر این مبنای، فرضیه‌ی اساسی مقاله حاضر را می‌توان به شرح ذیل صورت‌بندی نمود:

«قوم‌داری، روابط بین قومی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (روابط همزیستانه) را تضعیف و در مقابل روابط سیاسی (تعارضی) را تقویت می‌کند. بر این اساس متناسب با تشدید قوم‌داری، خصوصیات رابطه‌ای اقوام (چگالی، شدت، تقارن، عمومیت و تعدد رابطه و تنوع گره) در بعد همزیستی تضعیف و در بعد تعارض، تقویت می‌گردد».

روش تحلیل

داده‌های مقاله‌ی حاضر از یک تحقیق پیمایشی اخذ گردیده که در سال ۱۳۷۸ در مناطق قومی کشور انجام گرفته است. جمعیت تحقیق مذکور شامل افراد ۱۸ ساله و بالاتر ساکن مناطق قومی مورد بررسی بوده که در یکی از اقوام هشت گانه شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوج، ترکمن و طالش عضویت داشته‌اند. در طی تحقیق مذکور با ۴۰۰۲ نفر در ۳۱ نقطه‌ی قومی کشور^۱ که به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای و به صورتی تصادفی برگزیده شده‌اند، مصاحبه حضوری به عمل آمده و پایایی مقیاس قوم‌داری نیز معادل ۹۱/۰ بوده است. داده‌های قوم‌داری که «داده‌ی وصفی»^۲ محسوب می‌شوند هم در سطح فرد و هم در سطح قوم قابل تحلیل‌اند و در نوشتار حاضر اندازه‌ی آنها در سطح هر قوم برحسب شاخص‌های مرکزی و

ثروت کمک می‌کنند. همچنین به افراد کمک می‌کند بتوانند امنیت شخصی خود را بیانند و این امر در موقعیت‌های تضاد آمیز به خوبی خود را نشان می‌دهد».

۱. نقاط مورد مطالعه شامل شهرهای تبریز، اردبیل، پارس آباد، ارومیه، مهاباد، سنندج، سقز، اهواز، ایزه، شادگان، کرمانشاه، اسلام آباد، پاوه، زنجان، زاهدان، خاک، ایران شهر، گبد، آق قلا، بندرترکمن، خرم آباد، بروجرد، کوهدهشت، ایلام، فارسان، دهدشت، اصفهان، نورآباد ممسنی، طالش، رضوان شهر و ماسال بوده است.

2. attributional

پراکندگی توصیف گردیده است لکن «داده‌های رابطه‌ای» که تنها در سطح قوم (۸ گروه قومی)، قابل تحلیل بوده اند مطابق با تعاریف ذیل شاخص‌سازی و سپس در تحلیل وارد شده‌اند:

۱. شدت روابط بین قومی: شدت رابطه‌ی بین هر زوج از اقوام هشتگانه بر حسب «میانگین رابطه اعضای هر قوم با قوم دیگر» محاسبه گردیده است.
۲. تعدد روابط بین قومی: تعدد (تنوع) رابطه‌ی بین هر زوج از اقوام هشتگانه بر حسب درصد اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر، دارای یک، دو یا سه نوع رابطه‌ی همزیستانه (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) هستند، برآورده گردیده است.
۳. تنوع گره در روابط بین قومی: تنوع گره در شبکه روابط بین قومی، بر حسب اینکه چند درصد از اعضای هر قوم با چند قوم (هیچ قوم تا هفت قوم) دیگر رابطه‌ی همزیستانه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) یا تعارضی (سیاسی) داشته‌اند، برآورده گردیده است.
۴. عمومیت رابطه‌ی بین قومی: عمومیت رابطه بین هر زوج از اقوام هشتگانه بر حسب درصد افراد درگیر رابطه (درصد پاسخگویان قوم الف که با اعضای قوم ب رابطه دارند) برآورده گردیده است.^۱

بدین ترتیب، واحد تحلیل رابطه‌ی بین قومی، «قوم» در نظر گرفته شده و آزمون همبستگی دو متغیر قوم‌داری و رابطه‌ی بین قومی، برپایه‌ی داده‌های ۸ واحد (قوم) انجام گرفته است و از آنجا که در این آزمون، کل جمعیت تحقیق (۸ قوم) وارد گردیده لذا سطح معناداری ضرایب گزارش نشده‌است و در واقع بحث تعیین آماری بلا موضوع گردیده است.

یافته‌های پژوهش

ذیلاً ضمن معرفی نتایج سنجش قوم‌داری در بین اقوام هشتگانه، اثر این متغیر بر روابط بین قومی تحلیل می‌گردد. لکن مقدم بر توصیف و تحلیل داده‌ها، جهت تبادر ذهن، ویژگی‌های

۱. متغیر قرینگی و چگالی روابط بین قومی از شمول تحلیل همبستگی خارج گردیده است. دلیل حذف مفهوم چگالی این بوده است. که بر حسب تعریف، معنای آن در مفهوم شدت روابط بین قومی به شرحی که در اینجا منظور گردیده، مستتر است. بعلاوه مفهوم «روابط ممکن» در تعریف چگالی، سیال و قراردادی است و هر مقداری را می‌توان به آن نسبت داد و از این جهت تحلیل تجربی آن نامطمئن است اما دلیل حذف قرینگی، فقدان داده آن در سطح هر قوم بوده است.

جمعیتی پاسخگویان معرفی می‌گردد.

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان: «از ۴۰۰۲ نفر مصاحبه‌ی انجام شده در ۳۱ نقطه قومی‌کشور، ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی و تحصیلی آنها به ترتیب ۳۴/۶ سال و ۹/۷ کلاس (دوره متوسطه) بوده است. بعلاوه از لحاظ وضع فعالیت ۴۶/۹ درصد شاغل، ۹/۶ درصد بیکار، ۴/۶ درصد بازنشسته، ۱۲/۴ درصد محصل (دانشآموز و دانشجو) و ۲۶/۵ درصد خانه‌دار بوده‌اند. قومیت ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان ترک، ۷/۶ درصد بلوج، ۲/۵ درصد ترکمن، ۲/۵ درصد طالش، ۵ درصد عرب، ۱۷/۴ درصد فارس، ۱۶/۸ درصد کرد و ۱۶/۲ درصد نیز لر بوده‌اند. همچنین ۷۸/۷ درصد پاسخگویان شیعه و ۲۱/۳ درصد سنی بوده‌اند».

میزان قوم‌مداری

قوم‌مداری بر حسب تعریف با استفاده از هشت گویه یا نشانه به شرح جدول ۱، سنجیده شده و سپس میانگین موافقت با هریک از گویه‌ها بر حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ به تفکیک اقوام هشت‌گانه محاسبه گردیده است. از مقایسه میانگین‌ها چند نتیجه مهم حاصل می‌شود:

اقوام	نیزه	ترکمن	کرد	بلوج	ترکی	فارس	طالش	کاری	شیعه	سنی
نیزه	۷۸/۷	۱۶/۲	۱۷/۴	۱۶/۸	۲/۵	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
ترکمن	۷۸/۷	۱۶/۲	۱۷/۴	۱۶/۸	۲/۵	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
کرد	۱۶/۲	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۶/۸	۲/۵	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
بلوج	۱۷/۴	۱۶/۸	۱۷/۴	۱۶/۸	۲/۵	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
ترکی	۲/۵	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۷۸/۷	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
فارس	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۷/۴	۱۷/۴	۷۸/۷	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
طالش	۱۲/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۷۸/۷	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
کاری	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۷۸/۷	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
شیعه	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۷۸/۷	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۵۵
سنی	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵	۱۲/۴	۴/۶	۹/۶	۷۸/۷

القوم‌مداری بر حسب اغلب نشانه‌ها در نزد بلوج‌ها بیشتر و بالعکس در نزد عرب‌ها کمتر از سایر اقوام است. با این حال بیشترین احساس برتری زبانی مربوط به فارس‌ها (۸۲)، بیشترین احساس برتری کاری مربوط به لرها (۷۶)، بیشترین احساس برتری شجاعت مربوط به آذربایجانی‌ها و لرها (۷۶) و بیشترین برتری احترامی (۶۱) مربوط به طالش‌ها و لرهاست.

از ترکیب هشت گویه قوم‌مداری، «شاخص کلی قوم‌مداری» ساخته شده و آماره‌های آن به تفکیک اقوام هشت‌گانه کشور در جدول ۲ منعکس گردیده که ذیلا به نتایج مهم آن اشاره می‌گردد:

به طورکلی درصد اندکی از افراد فاقد قوم‌مداری (۰) هستند (۰/۲ درصد) و در نزد سه قوم بلوج، ترکمن و طالش نیز، هیچ پاسخگویی فاقد قوم‌مداری وجود ندارد. در مقابل در نزد همه اقوام و در کل، درصد قابل توجهی از پاسخگویان (۷ درصد) دارای حداقل قوم‌مداری (۱۰۰) هستند.

جدول ۱ میانگین موافقت با گویه‌های قوم‌داری به تفکیک اقوام هشت‌گانه

ردیف	میانگین موافقت به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰								گویه‌های قوم‌داری ^۱	٪
	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳		
۱	۶۲	۶۳	۸۲	۶۸	۶۱	۶۸	۷۲	۶۹	به نظر من زیان ۰۰۰، بهترین زیان در ایران است.	۱
۲	۶۶	۵۶	۵۶	۵۱	۶۶	۶۴	۶۵	۶۴	۰۰۰، بیش از هر قومی شایسته احترامند.	۲
۳	۶۲	۵۷	۵۴	۴۸	۵۹	۶۲	۶۹	۶۴	به نظر من ۰۰۰ با هوش‌ترین مردم ایران هستند.	۳
۴	۷۶	۶۶	۵۴	۵۵	۶۴	۶۷	۷۵	۷۴	من فکر می‌کنم ۰۰۰ از همه اقوامی که در ایران زندگی می‌کنند، پرکارترند.	۴
۵	۶۴	۵۸	۵۳	۵۰	۶۲	۶۷	۷۰	۶۱	به نظر من، ۰۰۰ بهترین مردم ایران هستند.	۵
۶	۷۶	۷۰	۵۱	۶۰	۶۴	۶۶	۷۵	۷۶	۰۰۰ شجاع‌ترین مردم ایران هستند.	۶
۷	۵۶	۴۶	۴۳	۴۳	۶۰	۵۱	۶۱	۵۲	به نظر من ۰۰۰ از هر جهت بر دیگر اقوام ایرانی برتری دارند	۷
۸	۶۶	۶۰	۵۹	۵۳	۶۶	۶۳	۶۹	۶۶	من فکر می‌کنم که بهترین رسم و رسومات قومی ایران را، ۰۰۰ دارند.	۸

در کل، نمره‌ی قوم‌داری ۷۵ درصد پاسخگویان بالاتر از ۴۷ نمره، ۵۰ درصد آنان بالاتر از ۶۲ و نمره ۲۵ درصد آنان نیز بالاتر از ۷۸ است. مقایسه‌ی مقادیر مشابه در نزد اقوام هشت‌گانه نشان می‌دهد که کمترین قوم‌داری مربوط به عرب‌ها و بیشترین آن مربوط بلوج‌هاست. آنچنان که در نزد بلوج‌ها، تنها قوم‌داری ۲۵ درصد از افراد کمتر از ۵۶ است. این در حالی است که قوم‌داری در نزد نیمی از عربها کمتر از حد متوسط (۵۰) است.

میانگین قوم‌داری در کل پاسخگویان ۶۳ است و مقدار آن نیز در نزد هیچ یک از اقوام کمتر از حد متوسط (۵۰) نیست. در بین اقوام هشت‌گانه، کمترین میانگین قوم‌داری مربوط به

۱. در گویه‌های قوم‌داری به حای علامت نقطه چین، نام قوم مربوطه قرار گرفته است مثلاً در مصاحبه با پاسخگویان ترک‌زبان در گویه‌ی اول گفته شده: «به نظر من زیان ترکی، بهترین زیان در ایران است»، یا در گویه‌ی دوم گفته شده: «ترک‌ها بیش از هر قومی شایسته احترامند».

عرب‌ها (۵۳) و بیشترین آن مربوط به بلوچ‌ها (۶۹) است.

اگر چه به طور کلی پراکنش قوم‌داری در نزد همه‌ی اقوام (پاسخ‌گویان) پایین (۲۲) است و احساس کم و بیش مشترکی از این لحاظ در بین آنها وجود دارد، با این حال، کمترین پراکنش قوم‌داری مربوط به ترکمن‌ها (۲۰) و بیشترین پراکنش مربوط به فارس‌ها (۲۴) است.

جدول ۲ آماره‌های شاخص کلی قوم‌داری به تفکیک اقوام هشت گانه

آماره‌های قوم‌داری به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰								تعداد پاسخ معتبر	نام قوم	٪
انحراف معیار	میانگین	چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	حداکثر	حداقل				
۲۱	۶۶	۸۱	۶۶	۵۰	۱۰۰	۰	۱۲۷۸	آذربایجانی	۱	
۲۲	۶۹	۸۷	۷۲	۵۶	۱۰۰	۶	۲۶۴	بلوچ	۲	
۲۰	۶۳	۷۸	۵۹	۵۰	۱۰۰	۱۹	۹۸	ترکمن	۳	
۲۱	۶۳	۷۵	۶۲	۵۰	۱۰۰	۲۵	۱۰۲	طالش	۴	
۲۳	۵۳	۷۲	۵۰	۳۴	۱۰۰	۰	۱۹۹	عرب	۵	
۲۴	۵۶	۷۵	۵۶	۳۷	۱۰۰	۰	۷۷۵	فارس	۶	
۲۲	۵۹	۷۵	۵۹	۴۷	۱۰۰	۰	۶۶۷	کرد	۷	
۲۱	۶۶	۸۱	۶۶	۵۳	۱۰۰	۰	۶۳۶	لر	۸	
۲۲	۶۳	۷۸	۶۲	۴۷	۱۰۰	۰	۳۹۱۹	جمع		

اثر قوم‌داری بر روابط بین قومی^۱

مدعای اصلی مقاله این است که: «قوم‌داری روابط همزیستانه بین قومی مشتمل بر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کاهش و در مقابل روابط سیاسی یا تعارضی بین قومی را تقویت می‌کند». ذیلاً با استفاده از روش تحلیل همبستگی، اثر متغیر قوم‌داری بر چهار ویژگی روابط بین قومی شامل شدت، عمومیت و تعدد رابطه و همچنین تنوع گره در شبکه روابط بین قومی به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۲

۱. وضعیت روابط بین قومی در ایران در مقاله‌ی دیگری (یوسفی ۱۳۸۰) به تفصیل توصیف گردیده است.

۲. در محاسبه ضرایب همبستگی قوم‌داری و روابط بین قومی، داده‌های دورافتاده (outlier) از محاسبه حذف و در هر جدول با اندیس معرفی شده‌اند.

اثر قوم‌داری بر شدت روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌داری و شدت رابطه بین قومی (فراوانی رابطه مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی و تعارضی در بین اقوام)، در جدول ۳ معنکس گردیده است. بر حسب نتایج حاصله می‌توان گفت: از مجموعه ۳۲ ضریب همبستگی، جهت (+ یا -) ۶ مورد آنها خلاف انتظار و ۲۶ مورد آن موید فرضیه است. یعنی مطابق با پیش‌بینی نظری، قوم‌داری، فراوانی (شدت) روابط همزیستانه قومی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) را در اغلب موارد کاهش و فراوانی (شدت) روابط تعارض را افزایش داده است. موارد خلاف انتظار (همچون اثر قوم‌داری بر روابط مبادله‌ای و اجتماعی با ترکمن‌ها که بر خلاف انتظار مثبت است) و همچنین کم یا زیاد بودن مقدار ضرایب، می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که متغیرهای پیش‌بینی نشده‌ای همچون مجاورت یا عدم مجاورت قومی و اجتناب ناپذیری رابطه، اثر قوم‌داری بر فراوانی روابط بین قومی را تغییر داده باشند.

جدول ۳ مقادیر ضریب همبستگی قوم‌داری و شدت (فراوانی) رابطه بین قومی

توضیحات		اثر قوم‌داری بر فراوانی رابطه بین قومی			
		مبالغه	گفتمانی	تعارضی	اعاطی
(۱) رابطه مبادله‌ای اقوام مختلف با آذری‌ها از نظم خاصی پیروی نمی‌کند.		(۳)	(۲)	(۱)	آذری
(۲) با حذف عرب که رابطه اجتماعی بسیار اندک و تالش که رابطه بسیار بالایی با آذری دارند.	-۰/۴۳	-۰/۶۲	-۰/۷۲	۰/۰۵۴	
(۳) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندک و تالش که رابطه بسیار بالایی با آذری دارند.	۰/۶۷	(۵)	-۰/۴۳	(۴)	بلوج
(۴) با حذف ترکمن و عرب که به ترتیب روابط مبادله‌ای بسیار بالا و اندکی با بلوج‌ها دارند.	۰/۸۲	(۶)	۰/۴۳	۰/۴۰	ترکمن
(۵) با حذف قوم عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با قوم بلوج دارد.	۰/۸۲	-۰/۳۶	-۰/۳۷	-۰/۸۲	تالش
(۶) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با قوم ترکمن دارد.	۰/۷۴	-۰/۶۷	-۰/۶۴	-۰/۷۷	عرب
(۷) با حذف عرب که رابطه مبادله‌ای بسیار اندکی با قوم تالش دارد.	۰/۷۹	(۱۰)	(۹)	(۸)	فارس
(۸) با حذف قوم بلوج که بسیار بیش از دیگر اقوام با قوم فارس رابطه مبادله‌ای دارند.	۰/۴۷	-۰/۵۹	-۰/۶۹	-۰/۵۲	کرد
(۹) با حذف بلوج که رابطه اجتماعی بسیار بالایی با قوم فارس دارد.	۰/۸۱	-۰/۸۰	۰/۷۷	-۰/۹۰	لر
(۱۰) با حذف قوم بلوج که رابطه گفتمانی بسیار بالایی با قوم فارس دارند.					

اثر قوم مداری بر عمومیت روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم مداری و عمومیت رابطه بین قومی (نسبتی از اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر رابطه مبادله‌ای، عاطفی، گفتمانی و تعارضی دارند)، در جدول ۴ معنکس گردیده است. با توجه به جدول (۴) می‌توان گفت: از مجموعه ۳۲ ضریب همبستگی محاسبه شده، جهت (+) ۴ مورد آنها خلاف انتظار و ۲۸ مورد آن موید فرضیه است. برحسب فرضیه تحقیق، قوم مداری عمومیت و شمول روابط همیستانه بین قومی (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی) را کاهش و شمول رابطه تعارضی را افزایش می‌دهد. نتایج حاصله در اغلب موارد مؤید این فرضیه است و تنها در ۴ مورد (همچون اثر قوم مداری بر عمومیت رابطه اجتماعی اقوام با لرها) برخلاف انتظار، ظاهر شده است.

جدول ۴ مقادیر ضریب همبستگی قوم مداری و عمومیت رابطه بین قومی

توضیحات		اثر قوم مداری بر عمومیت رابطه بین قومی				
		گفتمانی	عاطفی	مبادله‌ای	تعارضی	
(۱)	با حذف تالش و ترکمن که علیرغم قوم مداری بالا رابطه مبادله‌ای بالای با آذریها دارند.	(۱۹)	(۱۳)	(۷)	(۱)	آذری
(۲)	با حذف ترکمن و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالای با بلوجها دارد و دومی عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با بلوجها دارد.	۰/۱۹	-۰/۲۵	-۰/۴۳	-۰/۱۲	
(۳)	با حذف بلوج و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالای با ترکمنها دارد و دومی عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با ترکمنها دارد.	۰/۲۶	-۰/۱۷	-۰/۲۹	-۰/۹۶	بلوج
(۴)	با حذف عرب که عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با تالش دارد.	۰/۰۳	(۲۰)	(۱۵)	(۹)	ترکمن
(۵)	با حذف بلوج که علیرغم قوم مداری بالا رابطه مبادله‌ای نزدیکی با فارسها دارند.	۰/۰۳	-۰/۴۹	-۰/۸۱	-۰/۵۳	
(۶)	با حذف عرب که رابطه مبادله‌ای بسیار اندکی با کرد دارند.	۰/۹۲	۰/۲۰	(۱۶)	(۱۰)	تالش
(۷)	با حذف عرب که رابطه اجتماعی اندکی با آذریها دارند.	۰/۴۴	۰/۲۲	-۰/۳۹	-۰/۵۴	عرب
(۸)	با حذف ترکمن که رابطه اجتماعی بالای با بلوج دارد.	۰/۰۳	۰/۲۳	(۱۷)	(۱۲)	فارس
(۹)	با حذف بلوج و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالای با ترکمنها دارد.	۰/۹۲	-۰/۳۵	۰/۱۷	-۰/۰۵	
(۱۰)	با حذف عرب که عمومیت رابطه اجتماعی بسیار پایینی با تالش دارد.	-۰/۰۳	۰/۲۴	(۱۸)	(۶)	کرد
(۱۱)	با حذف بلوج که تعاضی بسیار اندکی با آذری دارد.	۰/۰۳	-۰/۷۳	۰/۴۱	-۰/۳۴	
(۱۲)	با حذف بلوج و ترکمن که رابطه گفتمانی بالای با فارس دارند.	۰/۰۳	-۰/۶۳	۰/۶۳	-۰/۷۳	لر
(۱۳)	با حذف کرد و عرب که رابطه گفتمانی اندکی با کرد دارند.	۰/۰۳	-۰/۰۳	(۱۹)	با حذف بلوج که تعاضی بسیار اندکی با آذری دارد.	
(۱۴)	با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با بلوج دارد.	-۰/۰۳	-۰/۰۳	(۲۰)	با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با ترکمن دارد.	
(۱۵)	با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با ترکمن دارد.	-۰/۰۳	-۰/۰۳	(۲۱)	با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با تالش دارد.	
(۱۶)	با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با تالش دارد.	-۰/۰۳	-۰/۰۳	(۲۲)	با حذف بلوج و ترکمن که رابطه تعاضی اندکی با فارس دارند.	
(۱۷)	با حذف بلوج و ترکمن که رابطه گفتمانی بالای با فارس دارند.	-۰/۰۳	-۰/۰۳	(۲۳)	با حذف کرد و عرب که رابطه تعاضی اندکی با عرب دارند.	
(۱۸)	با حذف عرب و ترکمن که رابطه گفتمانی اندکی با کرد دارند.	-۰/۰۳	-۰/۰۳	(۲۴)	با حذف ترکمن که رابطه تعاضی بسیار اندکی با کرد دارد.	

اثر قوم‌داری بر تعدد روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌داری و تعدد رابطه بین قومی (نسبتی از اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر یک، دو یا سه نوع رابطه همزیستانه (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی داشته‌اند)، در جدول ۵ معکس گردیده است. با توجه به جدول (۵) می‌توان گفت: نتایج بدست آمده، کاملاً مؤید فرضیه است. بر حسب فرضیه تحقیق، قوم‌داری تعدد یا تنوع رابطه‌ی همزیستانه بین قومی (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی) را کاهش می‌دهد. منفی بودن علامت ضرایب مؤید معنای مذکور است و نشان می‌دهد در نزد همه‌ی اقوام با افزایش قوم‌داری، تنوع روابط بین قومی کاهش می‌یابد، اگرچه شدت این تاثیر در نزد اقوام، متفاوت است.

جدول ۵ مقادیر ضرایب همبستگی قوم‌داری و تنوع رابطه بین قومی

اقوام	اثر قوم‌داری بر تنوع رابطه بین قومی	توضیحات
آذری	-۰/۶۲(۱)	(۱) با حذف فارس و عرب که هر دو علیرغم قوم‌داری اندک رابطه نسبتاً اندکی هم با آذری‌ها دارند.
بلوج	-۰/۱۴(۲)	(۲) با حذف عرب که علیرغم قوم‌داری کم، رابطه بسیار اندکی با بلوج دارند.
ترکمن	-۰/۲۱(۳)	(۳) با حذف عرب که علیرغم قوم‌داری کم، رابطه بسیار اندکی با ترکمن دارند.
تالش	-۰/۷۳(۴)	(۴) با حذف عرب که علیرغم قوم‌داری کم، رابطه بسیار اندکی با تالش دارند.
عرب	-۰/۳۱	(۵) با حذف عرب که با وجود قوم‌داری نسبتاً کم رابطه کمی با فارس دارد و بلوج که با وجود قوم‌داری بالا رابطه بسیار زیادی با فارس دارد.
فارس	-۰/۴۵(۵)	
کرد	-۰/۲۶(۶)	
لر	-۰/۶۳	(۶) با حذف ترکمن و عرب که بسیار کمتر از دیگر اقوام با کردهای رابطه دارند.

اثر قوم‌داری بر تنوع گره در روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌داری و تنوع گره در روابط بین قومی (تنوع اقوامی که اعضای هر قوم که با آنها رابطه دارند) در جدول ۶ معکس گردیده است. با توجه به جدول (۶) می‌توان

گفت: از میان چهار نوع رابطه مورد بررسی، اثر قوم‌مداری بر تنوع گره در سه نوع رابطه منفی و موید فرضیه تحقیق است و یک مورد آن (اثر قوم‌مداری بر تنوع گره روابط تعارضی) خلاف انتظار است. فرضیه تحقیق این بوده است که قوم‌مداری، تنوع گره در شبکه روابط همزیستانه (مبادله‌ای، اجتماعی و گفتمانی) بین اقوام را کاهش و بالعکس باعث افزایش گره در شبکه روابط تعارضی می‌گردد. داده‌ها مؤید بخش نخست این فرضیه است و نشان می‌دهد که قوم‌مداری، تنوع هویت جمعی (قومی) را در شبکه روابط بین قومی کاهش می‌دهد و مانع از این می‌شود که هر قوم با تعداد بیشتری از اقوام مراوده داشته باشد. منفی بودن رابطه قوم‌مداری با تنوع گره در روابط تعارضی اگرچه برخلاف انتظار ظاهرشده لکن گویای این معناست که قوم‌مداری به طورکلی مانع از تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه اجتماعی (اعم از شبکه روابط همزیستانه یا تعارض) اقوام می‌شود.

جدول ۶ مقادیر ضربه همبستگی قوم‌مداری و تنوع گره در روابط بین قومی

نوع رابطه بین قومی	اثر قوم‌مداری بر تنوع گره	توضیحات
مبادله‌ای	-۰/۲۹ (۱)	(۱) و (۲) و (۳) با حذف قوم عرب که علیرغم قوم‌مداری کم، تعدد گیرندگان انواع روابط آن هم اندک است.
اجتماعی	-۰/۳۴ (۲)	
گفتمانی	-۰/۲۳ (۳)	
تعارضی	-۰/۲۴	

بحث و نتیجه‌گیری

ایران یک جامعه چندقومی است و با وجود اینکه اقوام ایرانی سرگذشت‌ها و ویژگی‌های گوناگونی دارند (رجوع کنید به احمدی، ۱۳۸۳: بخش دوم)، اما هویت ایرانی آنها همواره بر پایه مشترکات قومی استوار بوده است. در نگاه اول لازمه‌ی چنین اشتراکی این است که عصیت‌های قومی و تمایلات مشابه آن^۱ مهار شود و تعلق به اجتماع قومی در سایه‌ی تعلق و

۱. ازجمله مفاهیمی که معمولاً به همراه قوم‌مداری بررسی می‌شوند، میهن‌پرستی (patriotism): شوونیسم (Chauvinism) یا میهن‌پرستی افراطی، ملی‌گرایی (Nationalism)، بیگانه هراسی (Xenophobia) و بویژه نژادگرایی (racism) است. در مورد

وابستگی به اجتماع ملی قرار نگیرد؛ در این معنا قوم‌داری و عصبیت قومی مانع شکل‌گیری هویت ملی محسوب می‌شود و این ممانعت به طور عمدۀ از طریق اختلال و گسست در روابط بین قومی ایجاد می‌شود (یوسفی ۱۳۸۰). در حال حاضر اقوام گوناگونی در ایران زندگی می‌کنند و مطالعه‌ی وضعیت روابط بین قومی در بین هشت قوم عمدۀ ایرانی نشان می‌دهد اگرچه فراوانی روابط همزیستانه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بین قومی در نزد همه‌ی اقوام بیش از روابط تعارضی است لکن برخلاف تصور رایج، فرستندگی رابطه در نزد اقوام اقلیت مثل بلوج‌ها، ترکمن‌ها و طالش‌ها بیش از گیرندگی رابطه است. یعنی در حالیکه اقوام اقلیت میل به رابطه با اقوام دیگر دارند لکن از جانب دیگر اقوام بویژه فارس‌ها پذیرندگی رابطه پائین است و این عدم تقارن، موقعیت متفاوتی را برای اقوام در شبکه قومی کشور رقم زده است (یوسفی، ۱۳۸۳). بدون تردید بخشی مهمی از کم و کيف روابط بین قومی ناشی از پیش‌داوري‌های مثبت یا نفی اقوام نسبت به یکدیگر و قوم‌داری (اعتقاد به فضیلت و برتری قوم خود برسایر اقوام) آنهاست. به علاوه کاهش رابطه‌ی بین قومی، خود باعث تشدید پیش‌داوري و قوم‌داری است. در مقاله‌ی حاضر نشان داده شد قوم‌داری به طوری کلی در تمام اقوام کشور بالاست و همانطور که انتظار می‌رفت، قوم‌داری بر روی انواع روابط همزیستانه قومی (شامل روابط مبادله‌ای، گفتمانی و اجتماعی) اثر منفی داشته و در مقابل تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند. نتایج تحلیل همبستگی قوم‌داری و روابط بین قومی نشان داد قوم‌داری همه‌ی وجود رابطه‌ای (شدت، تعدد و عمومیت روابط و تنوع گره در روابط) اقوام را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در اغلب موارد باعث تضعیف خصوصیات رابطه‌ای مذکور می‌گردد. در عین حال پذیرفتني است که تنها قوم‌داری نیست که روابط بین قومی را تغییر (کاهش) می‌دهد، متغیرهایی همچون مجاورت مکانی و تجانس فرهنگی (به ویژه تجانس زبانی و مذهبی) نیز بر روابط بین قومی اثر گذارند. همچنان که نتایج خلاف انتظار در تحلیل همبستگی دو متغیر مذکور و تفاوت شدت همبستگی این دو متغیر در نزد اقوام مختلف نیز

اخیر می‌توان گفت تعریباً ممکن است تقریباً هم‌زادپرستان، قویت‌گرا هم هستند، اما عکس این مطلب صادق نیست. تقریباً هر گروهی که به فضایی فرهنگی خود افتخار می‌کند، از آن جهت، همسایگان خود را تقبیح و بی ارزش جلوه می‌دهد. اما این فکر که یک گروه به خاطر ویژگی نژادی آن، بر دیگری برتری دارد، چندان عمومیت ندارد (Lester 2004: 105).

این معنا را آشکار می‌کند. با درنظر گرفتن این نکته که قوم‌داری و تمایلات مشابه آن یک مانع فرهنگی مهم برای گسترش مناسبات بین قومی است، تقویت عناصر فرهنگی مشترک می‌تواند زمینه‌ی فکری و ذهنی لازم را برای برقراری و تقویت روابط بین قومی و در نتیجه تقویت یکپارچگی ملی فراهم آورد.

منابع

- [۱] احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران. نشر نی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۲] برتون، رولان، قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه ناصر فکوهی. نشر نی، تهران، ۱۳۸۰.
- [۳] بولمر، مارتین و جان سولوموس، مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم. ترجمه پرویز دلیرپور و محمدکمال سرویان. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۱.
- [۴] چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
- [۵] ویر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- [۶] یوسفی، علی، روابط بین قومی در ایران، کاوش، شماره ۱ (مجموعه مقالات قومی)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراهای، تهران، ۱۳۸۳.
- [۷] یوسفی، علی، روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ۱۳۸۰.
- [۸] یوسفی، علی، طبقه‌بندی اجتماعی اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۱.
- [9] Bandura, A. Moral disengagement in the perpetration of in humanities. *Personality and social psychology review*, 3 (3), 193–209, 1999.
- [10] Burgess, Robert G., ed. *Key Variables in Social Investigation*. London: Routledge, 1986.
- [11] Carignan, Nicole & Michael Sanders & Ronald G. Pourdavood. Racism

and ethnocentrism: Social representations of preservice teachers in the context of multi and intercultural education. *International Journal of Qualitative Methods*, 4(3), 2005.

- [12] Gudykunst, W. B. Bridging differences.Thousand Oaks, CA: Sage 1994.
 - [13] Gurr, T. & B. Harff Ethnic Conflict in World Conflicts. Boulder, CO: Westview, 1994.
 - [14] Gurr, T. Minorities at Risk: A Global View Ethnopolitical Conflicts. Washington, DC: United States Institute for Peace Press, 1993.
 - [15] Gurr, T. Peoples Versus States: Minorities at Risk in New Century. Washington, DC: United States Institute for Peace Press, 2000.
 - [16] Harff, B. & T. Gurr Systematic Early Warning of Humanitarian Emergencies. Working Paper, Minorities at Risk Project. Available at www.cidcm.umd.edu/projects/mar.htm, 1998.
 - [17] Hammond, R. A. & R. Axelrod. The Evolution of Ethnocentrism. University of Michigan, 2005.
 - [18] Lester, Julius. Racism, Anti-Semitism and the Concept of Evil. In “Textures and Meaning: Thirty Years of Judaic Studies at the University of Massachusetts Amherst”. L. Ehrlich, S. Bolozky, R. Rothstein, M. Schwartz, J. Berkovitz, J. Young (Eds). Department of Judaic and Near Eastern Studies, University of Massachusetts Amherst, 2004.
 - [19] Navarrete, C. D., & Fessler, D. M. T. Disease avoidance and ethnocentrism: The effects of disease vulnerability and disgust sensitivity on intergroup attitudes. *Evolution and Human Behavior*, 27, 270–282, 2006.

- [20] Neuliep, James W. & James C. McCroskey. The Development of a US and Generalized Ethnocentrism Scale. *Communication Research Methods*, Volume 14, No. 4, pp. 385-398, 1997.
- [21] Parsons, T. *Social Systems and the Evolution of Action Theory*, The Free Press, 1977.
- [22] Ringer, Benjamin B. and Lawless, Elinor R. *Ethnicity and society*. London Routledge, 1989.
- [23] Weber, Max *Economy and Society*, University of California Press, 1978.